

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان  
برگردان از: حمید محوی  
۱۸ دسمبر ۲۰۱۳

«زیر چشمان ما»

شصت و سومین واقعه نگاری سیاست بین المللی

## پس «انقلابیان» سوری کجا رفتند؟

روز پیش از گردهمایی ژنیو ۲، سازمان دهندگان ایالات متحده دیگر هیچ عروسکی برای به بازی گرفتن در نقش انقلابیان سوری ندارند. ناپدید شدن ناگهانی ارتش آزاد سوریه به آنهایی که به آن باور داشتند ثابت کرد که توهمی بیش نبوده است. در سوریه هرگز انقلاب عمومی و مردمی روی نداد، بلکه تنها یک خشونت خارجی به ضرب مزدوران مسلح و میلیاردها دالر بود.

شبکه ولتر/۱۶ دسمبر



۲۹ نومبر ۲۰۱۱، یک هیأت نمایندگی ارتش آزاد سوریه تبعیت خود را از یک هیأت نمایندگی شورای ملی سوریه اعلام می کند. از دیدگاه نظری، مخالفان از این پس دارای یک شاخه نظامی و یک شاخه سیاسی شدند. ولی در واقع، ارتش آزاد سوریه، و به همین گونه شورای ملی سوریه دو مقوله تخیلی هستند که ناتو صحنه پرداز اصلی آن بود. هر دو کاملاً از مزدوران تشکیل شده بودند و به خودی خودشان هیچ واقیعت عینی در محل نداشتند.

سازمان دهندگان گردهمایی صلح در ژنیو به فوریت در جست و جوی یک نماینده برای اپوزیسیون مسلح سوریه هستند. در واقع، از دیدگاه غربی ها، جنگ بین دیکتاتور بد کردار و ملت او بوده است. با این وجود، گروه های مسلحی که سرگرم ویران کردن سوریه بودند - از جبهه النصره تا القاعده - رسماً سربازان مزدور خارجی استخدام می کردند،

حتی اگر گروه های مسلح مدعی شده باشند که همه آنها به شکل گسترده غالباً از اهالی سوریه هستند. دعوت کردن آنها به این معنا خواهد بود که باید بپذیرند که هرگز انقلابی در سوریه به وقوع نپیوسته، بلکه یک تجاوز خارجی بوده است. در واقع، ارتش آزاد سوریه که چند هفته پیش تعدادشان را ۴۰۰۰۰ نفر اعلام کرده بودند، ناپدید شده است. پس از حمله مزدوران مسلح به مرکز فرماندهی آنها و غارت انبارهای اسلحه، رئیس تاریخی آن، ژنرال سلیم ادريس به ترکیه گریخت و سپس به قطر پناهنده شد.

۲۹ جولای ۲۰۱۱ از روزی که تشکیلات خود را راه اندازی کرد، ارتش آزاد سوریه یک هدف مشخص داشت و آن هم سرنگونی رئیس جمهور سوریه بشار الاسد بود. ارتش آزاد سوریه هرگز مشخص نکرد که برای یک رژیم لائیک مبارزه می کند و یا یک رژیم اسلامی. و هرگز هیچ موضع گیری سیاسی در مورد عدالت، آموزش، فرهنگ، اقتصاد، کار، محیط زیست و غیره نداشت. و هرگز هیچ طرح و برنامه سیاسی مطرح نکرد.

به ما می گفتند که ارتش آزاد سوریه از سربازان ارتش عرب سوریه که فرار کرده بودند تشکیل شده است. در واقع طی شش ماهه دوم سال ۲۰۱۱ تعدادی فراری از خدمت وجود داشت، ولی جمع کل آنها از ۴ درصد فراتر نرفت که این تعداد در سطح یک کشور قابل اغماض به نظر می رسد.

نه، ارتش آزاد سوریه به برنامه سیاسی نیازی نداشت زیرا یک پرچم داشت که همان پرچم دوران استعمار فرانسه بود. طی دوران حق قیمومیت فرانسه در سوریه همین پرچم بود و طی نخستین سال های به اصطلاح استقلال، نماد معاهده سایکس پیکو بود: سوریه به شکل گسترده قطع عضو شده و به تعدادی دولت های قومی مذهبی تجزیه شده بود. سه ستاره نماد دولت دروز، دولت علوی و دولت مسیحی بود. تمام اهالی سوریه این پرچم نکبتبار را می شناسند، دست کم به دلیل حضورش در دفتر همکاران سوری در عصر اشغال فرانسه در یک سریال تلویزیونی.

نخستین رهبر آن، سرهنگ ریاض الاسعد به فراموشخانه تاریخ سپرده شد. او به خاطر نامش برگزیده شده بود، زیرا نام او به زبان های اروپائی به همان شکلی نوشته می شد که نام رئیس جمهور بشار الاسد اگر چه نام آنها به زبان عربی به شکل متفاوتی نوشته می شود. تنها تفاوت بین این دو نفر، از دیدگاه رژیم های سلطنتی خلیج مذهب آنها بود، اولی سنی و دومی علوی.

در واقع، ارتش آزاد سوریه یک اختراع مشترک فرانسه و بریتانیا بود، و مثل «انقلابیان بنگازی» در لیبیا پرچم دوران شاه ادريس اول را انتخاب کرده بودند که با اشغال بریتانیائی ها در تیبانی به سر می برد و با آنها همکاری می کرد.

بازوی مسلح ناتو، مأموریت داشت که وقتی اتحادیه آتلانتیک کشور را بمباران می کند، کاخ ریاست جمهوری را به اشغال خود درآورد، ارتش آزاد سوریه با طرح ها و شکست های پی در پی غربی ها و شورای همکاری خلیج به هر سو تاب می خورد. در مرحله دوم به عنوان بازوی نظامی شورای سیاسی در تبعید معرفی شد، ولی به هیچ عنوان اقتدار آن را باز نمی شناخت و تنها از کارفرمایانش فرانسه و بریتانیا تبعیت می کرد. ارتش آزاد سوریه در واقع بازوی مسلح سرویس های مخفی فرانسه و بریتانیا بود که اتحادیه ملی سوریه شاخه سیاسی آن را تشکیل می داد. سرانجام، ارتش آزاد سوریه نتوانست بی آن که ناتو مستقیماً به آن کمک کند توفیقی به دست آورد، و در چنین وضعیتی ارتش ترکیه در پایگاه هایش به آنها پناه می داد.

ارتش آزاد سوریه در چهار چوب جنگ نسل چهارم ایجاد شد، ولی نتوانست خود را با دومین جنگ در سوریه تطبیق دهد که جنگی بود از نوع نیکاراگوئه. نخستین جنگ (از گردهمائی ناتو در قاهره طی فبروری ۲۰۱۱ تا گردهمائی ژنیو طی جون ۲۰۱۲) یعنی صحنه پردازی رسانه ئی که هدفش بی اعتبار سازی قدرت حاکم سوریه بود تا این کشور همچون میوه ای رسیده در دستان ناتو سقوط کند. عملیات نظامی توسط گروهک های مختلفی انجام گرفت که دستوراتشان را مستقیماً از اتحادیه دریافت می کردند. پیش از همه هدف این بود که دروغ های رسانه ئی را معتبر جلوه

دهند و به شکلی نشان دهند که موجب توهم در افکار عمومی شود که گوئی به راستی در سوریه شورشی عمومی به وقوع پیوسته است. در انطباق با نظریات ویلیام لیند (۱) و مارتین وون کروولد (۲)، ارتش آزاد سوریه مارکی بود برای تمام این گروه ها ولی بی آن که ساختار آن دارای سلسله مراتب خاص خود باشد. به عکس، جنگ دوم (از گردهمائی «دوستان سوریه» در پاریس طی جولای ۲۰۱۲ تا گردهمائی ژنیو ۲ طی جنوری ۲۰۱۴) جنگی فراسایشی بود که با خون ریزی می بایستی تا شکست نهائی ادامه یابد. برای اجرای چنین نقشی، ارتش آزاد سوریه می بایستی به یک ارتش واقعی تبدیل می شد، یعنی سلسله مراتب و نظمی که هرگز از عهده پاسخگوئی به چنین ضروریاتی بر نیامد. وقتی احساس کرد که پایان کارش فرارسیده، خاصه با نزدیک شدن ایران و ترکیه، ارتش آزاد سوریه اعلام کرد که می خواهد در ژنیو ۲ شرکت کند و شرایط غیر واقعگرایانه ای را مطرح کرد. ولی دیگر دیر شده بود. مزدوران مسلحی که توسط عربستان سعودی استخدام شده بودند به این داستان تخیلی ناتو پایان دادند. از این پس هر یک از ما می تواند واقعیت عربان را ببیند: در سوریه هرگز انقلابی در کار نبوده است.

**پی نوشت**

(۱) William Lind

(۲) Martin Van Vrevelde

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۷ دسمبر ۲۰۱۳